

سوره 17: الإسراء

به نام خداوند رحمتگر مهربان

پاک و منزه است خدائی که بندهاش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد اقصی که گرداگردش را پر برکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم او شنوا و بیناست. (1)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم و آنرا وسیله هدایت بنی اسرائیل نمودیم (و گفتیم) غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید. (2)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، او بنده شکرگزاری بود. (3)

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جوئی بزرگی خواهید نمود. (4)

هنگامی که نخستین وعده فرا رسد مردانی پیکارجو را بر شما می فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند حتی برای بدست آوردن مجرمان) خانهها را جستجو می کنند، و این وعدهای است قطعی. (5)

سپس شما را بر آنها چیره می کنیم و اموال و فرزندانتان را افزون خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم. (6)

اگر نیکی کنید بخودتان نیکی می کنید، و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید، و هنگامی که وعده دوم فرا رسد (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت هایتان ظاهر می شود و داخل مسجد (اقصی) می شوند، همانگونه که در دفعه اول وارد شدند، و آنچه را زیر سلطه خود می گیرند در هم می کوبند! (7)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند، هر گاه برگردید ما باز می گردیم، و جهنم را زندان سخت کافران قرار دادیم. (8) این قرآن به راهی هدایت می کند که مستقیم ترین راههاست، و به مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (9)

و اینکه آنها به قیامت ایمان نمی آورند عذاب دردناکی برایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (1)

وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا (2)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (3)

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا (4)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (5)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (6)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرَّوْا مَا عُلُوقًا تَنَبَّيْرًا (7)

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (8)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (9)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (10)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (11)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوُنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِنَبْتِغُوا فُضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانَاهُ تَفْصِيلًا (12)

وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (13)

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (14)

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (15)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (16)

وَكَمُ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (17)

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا (18)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (19)

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَؤُلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ

آماده ساخته‌ایم. (10)

و انسان (بر اثر شتابزدگی) بدیها را طلب می‌کند آنگونه که نیکیها را می‌طلبد، و انسان همواره عجول است. (11)
ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود) قرار دادیم سپس نشانه شب را محو کرده و نشان روز را روشنی بخش ساختیم، تا فضل پروردگار را (در پرتو آن) بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را بطور مشخص (و آشکار) بیان کردیم. (12)

اعمال هر انسانی را به گردنش قرار داده‌ایم، و روز قیامت کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آنرا در برابر خود گشوده می‌بیند. (13)

(این همان نامه اعمال او است، به او می‌گوئیم) کتابت را بخوان! کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی! (14)
هر کس هدایت شود برای خود هدایت یافته، و آن کس که گمراه گردد به زیان خود گمراه شده است (و ضررش متوجه خود او است) و هیچکس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، و ما هرگز شخص یا قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر آنکه پیامبری مبعوث می‌کنیم (تا وظائفشان را بیان کند). (15)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم نخست اوامر خود را برای مترفین آنها ثروتمندان مست شهوت) بیان می‌داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آنها را شدیداً درهم می‌کوبیم! (16)
چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح زندگی می‌کردند (و طبق همین سنت) آنها را هلاک کردیم، و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگان آگاه و نسبت بر آن بیناست. (17)

آن کس که (تنها زندگی زودگذر (دنیای مادی) را می‌طلبد آن مقدار از آن را که بخواهیم و به هر کس اراده کنیم می‌دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که مذموم و رانده (درگاه خدا) است. (18)

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و سعی و کوشش خود را برای آن انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد، سعی و تلاش او (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (19)
هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت بهره و کمک

مَخْطُورًا (20)

می‌دهیم، و عطای پروردگارت هرگز از کسی منع (20) بین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم، درجات آخرت و برتریهایش از اینهم بیشتر است. (21)

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقَعَدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا (22)

و با «الله» معبود دیگری قرار مده که ضعیف و مذموم و بیچار و یاور خواهی شد. (22)

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (23)

پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آنها - یا هر دو آنها - نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزین، و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آنها بگو. (23)

وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (24)

بالهای تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر، و بگو پروردگارا همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرارده (24)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا (25)

پروردگار شما از درون دلهای شما آگاه است (اگر لغزشی در این زمینه داشتید و جبران کردید شما را عفو می‌کند چرا که) هر گاه صالح باشید او توبه کنندگان را می‌بخشد. (25)

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ نَبْذِيرًا (26)

و حق نزدیکان را بپرداز و (همچنین) مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن. (26)

إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (27)

چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند، و شیطان کفران (نعمتهای) پروردگارش کرد (27)

وَأَمَّا تُعْرَضْنَ عَنْهُمْ فَبِتَغَاءِ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (28)

و هر گاه از آنها (یعنی مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی) با گفتار نرم و آمیخته لطف با آنها سخن بگو. (28)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقَعَدَ مَلُومًا مَخْسُورًا (29)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد آنرا مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی. (29)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (30)

پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد گشاده یا تنگ می‌دارد، او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (30)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (31)

و فرزندانان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً قتل آنها گناه بزرگی است. (31)

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (32)
وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (33)

و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است. (32)
و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده به قتل نرسانید، جز به حق، و آن کس که مظلوم کشته شده برای ولیش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است. (33)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (34)

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (35)

وَلَا تَنْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (36)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا (37)

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (38)

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا (39)

أَفَأَصْنَأَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ
قَوْلًا عَظِيمًا (40)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (41)

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأَبْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ
سَبِيلًا (42)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوهًا كَبِيرًا (43)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا
(44)

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
حِجَابًا مَسْتُورًا (45)

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا
ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (46)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ
إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (47)

و به مال یتیم - جز به طریقی که بهترین طریق است -
نزدیک نشوید تا به سرحد بلوغ برسد، و به عهد (خود) وفا
کنید که از عهد سؤال می‌شود. (34)

و به هنگامی که پیمانہ می‌کنید حق پیمانہ را ادا نمائید و با
ترازوی درست وزن کنید این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر
است. (35)

از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دلها
همه مسئولند! (36)

روی زمین با تکبر راه مرو، تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و
طول قامت هرگز به کوهها نمی‌رسد؟ (37)

همه اینها گناهِش نزد پروردگار تو منفور است. (38)

این احکام از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی
فرستاده، و هرگز معبودی با الله قرار مده که در جهنم می‌افتی
در حالی که مورد سرزنش خواهی بود و رانده شده (درگاه
خدا). (39)

آیا خداوند پسران مخصوص شما قرار داد و خودش دخترانی
از فرشتگان انتخاب کرد؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی)
می‌گوئید! (40)

ما، در این قرآن انواع بیانات موثر را آوردیم تا متذکر شوند،
ولی (گروهی از کوردلان) جز بر نفرتشان نمی‌افزاید. (41)
بگو اگر با او خدایانی - آنچنان که آنها می‌پندارند - بود، سعی
می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.
(42)

پاک و برتر است او از آنچه آنها می‌گویند، بسیار برتر! (43)
آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند همه
تسبیح او می‌گویند، و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید،
ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید او حلیم و آمرزنده است
(44)

و هنگامی که قرآن می‌خوانی میان تو و آنها که ایمان به
آخرت ندارند حجاب ناپیدائی قرار می‌دهیم! (45)
و بر دل‌های آنها پوشش‌هایی، تا آن را نفهمند، و در گوش‌هایشان
سنگینی، و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد
میکنی پشت می‌کنند و از نو روی برمی‌گردانند. (46)

ما می‌دانیم آنها به چه منظوری به سخنان تو گوش فرا
می‌دهند، و هنگامی که با هم نجوا می‌کنند، در آن هنگام که
ستمگران می‌گویند شما جز از انسانی که سحر شده است

پیروی نمی‌کنید! (47)

بین چگونه برای تو مثل می‌زنند، و از همین رو گمراه شدند و قدرت پیدا کردن راه (حق) را ندارند! (48)

و گفتند آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و پراکنده‌ای شدیم دگر بار آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! (49)
بگو: شما سنگ و آهن باشید. (50)

یا هر مخلوقی که در نظر شما از این هم سختتر است (و از حیات و زندگی دورتر، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند) آنها به زودی می‌گویند چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو همان کسی که روز نخست شما را آفرید، آنها سر خود را (از روی تعجب و انکار) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: در چه زمانی خواهد بود؟! بگو شاید نزدیک باشد. (51)

همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرا می‌خواند، شما هم اجابت می‌کنید در حالی که حمد او می‌گوئید و تصور می‌کنید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کردید. (52)

به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد چرا که شیطان (بوسیله سخنان ناموزون) میان آنها فتنه و فساد می‌کند، همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است. (53)
پروردگار شما از نیات و اعمال) شما آگاهتر است اگر بخواهد (و شایسته ببیند) شما را مشمول رحمت خود می‌کند و اگر بخواهد مجازات می‌کند و ما تو را وکیل بر آنها نساخته‌ایم (که ملزم باشی آنها اجبارا ایمان بیاورند). (54)

پروردگار تو از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند آگاهتر است و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم بخاطر شایستگی تو است) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم، و به داود زبور بخشیدیم. (55)
بگو کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید، آنها نمی‌توانند مشکلی را از شما بر طرف سازند و نه تغییری در آن ایجاد کنند. (56)

آنها کسانی هستند که خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌طلبند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر، و به رحمت او امیدوارند و از عذاب او می‌ترسند چرا که همه از عذاب پروردگارت پرهیز و وحشت دارند. (57)

هر شهر و آبادی را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم یا (اگر گناهکارند) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت، این

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (48)

وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (49)

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (50)

أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (51)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (52)

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ
إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا (53)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (54)

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (55)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ
وَلَا تَحْوِيلًا (56)

أَوَلَيْكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (57)

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا
عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (58)

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (59)

در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است. (58)
هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه جویان) را بفرستیم، جز اینکه پیشینیان (که همین گونه درخواستها را داشتند و با ایشان هماهنگ بودند) آنها را تکذیب کردند (از جمله) ما به (قوم ثمود ناقه دادیم (معجزاتی) که روشنگر بود، اما آنها بر آن ستم کردند (و ناقه را به هلاکت رساندند). ما معجزات را فقط برای تخویف (و اتمام حجت) می فرستیم. (59)

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنَخَوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (60)

به یاد آور زمانی را که به تو گفتیم پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد (و از وضعیتشان کاملا آگاه است) ما آن رؤیائی را به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود، همچنین شجره ملعونه را که در قرآن ذکر کرده ایم، ما آنها را تخویف (و انذار) می کنیم اما جز بر طغیانشان افزوده نمی شود. (60)
به یاد آورید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که گفت آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده ای؟! (61)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا (61)

(سپس) گفت این کسی را که بر من ترجیح داده ای اگر تا روز قیامت مرا زنده بگذاری همه فرزندانش را جز عده کمی گمراه و ریشه کن خواهیم ساخت!! (62)

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَنَا عَلَىٰ لَيْسَ أَخْرَجْتَنَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَنُحْتَبِنَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (62)

فرمود: برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند جهنم کیفر آنها است، کیفری است فراوان! (63)

قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (63)

هر کدام از آنها را می توانی با صدای خودت تحریک کن، و لشکر سواره و پیادهات را بر آنها گسیل دار، و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی، و آنها را با وعده ها سرگرم کن ولی شیطان جز فریب و دروغ وعده ای نمی دهد. (64)

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَاعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (64)

(اما بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من پیدا نخواهی کرد (و آنها هیچگاه به دام تو گرفتار نمی شوند همین قدر کافی است پروردگارت حافظ آنها باشد. (65)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (65)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از نعمت او بهره مند شوید، او نسبت به شما مهربان است. (66)

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (66)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد همه کس را جز او فراموش خواهید کرد، اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد روی می گردانید، و انسان کفران کننده است! (67)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اُغْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (67)

آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با یک زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد یا طوفانی از سنگریزه بر شما

أَقَامْنَتْمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَأَن تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (68)

بفرستد (و در آن مدفونتان کند) سپس حافظ (و یاوری) برای خود نیاید؟! (68)

یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند و تندباد کوبنده‌ای بر شما بفرستد و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، حتی کسی که خونتان را مطالبه نماید پیدا نکنید. (69)

ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزیهای پاکیزه به آنها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم. (70)

به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم، آنها که نامه عملشان به دست راستشان است آنرا (با شادی و سرور) می‌خوانند و سر سوزنی به آنها ظلم و ستم نمی‌شود. (71)

اما آنها که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بودند در آنجا نیز نابینا هستند و گمراه‌تر! (72)

نزدیک بود آنها (با وسوسه‌های خود) تو را از آنچه وحی کرده‌ایم بفریبند، تا غیر آنرا به ما نسبت دهی، و در آن صورت تو را دوست خود انتخاب کنند! (73)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت مصون از انحراف نبودی) نزدیک بود کمی به آنها تمایل کنی! (74)

و اگر چنین می‌کردی ما دو برابر مجازات (مشرکان) در حیات دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می‌چشانیدیم، سپس در برابر ما یاوری نمی‌یافتی! (75)

نزدیک بود آنها تو را از این سرزمین با نیرنگ و توطئه ریشه کن و بیرون سازند، اما هر گاه چنین می‌کردند (گرفتار مجازات سخت الهی می‌شدند و) بعد از تو جز مدت کمی باقی نمی‌ماندند! (76)

این سنت (ما) در پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم، و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت. (77)

نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را، چرا که قرآن فجر مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است. (78)

پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن (و نماز) بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، تا پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد! (79)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (69)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (70)

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا (71)

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا (72)

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونكَ عَنِ الدِّي أَوْ حِينَا إِلَيْكَ لِيَتَفَتَّرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا (73)

وَلَوْ لَا أَنْ تُبْتَلَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (74)

إِذَا لَأَذُنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (75)

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيَخْرُجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (76)

سُنَّةٌ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (77)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (78)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (79)

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (80)

و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار) صادقانه وارد کن، و صادقانه خارج نما، و از سوی خود سلطان و یابوری برای من قرار ده. (80)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (81)

و بگو حق فرا رسید و باطل مضمحل و نابود شد و (اصولاً) باطل نابود شدنی است! (81)

وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (82)

قرآن را نازل میکنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید. (82)

وَإِذَا أُنعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (83)

هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم (از حق) روی می‌گرداند، و متکبرانه دور میشود، و هنگامی که کمترین بدی به او میرسد (از همه چیز) مایوس میگردد. (83)

قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (84)

بگو هر کس طبق روش (و خلق و خوی خود عمل میکند پروردگار شما! آنها را که راهشان نیکوتر است بهتر می‌شناسد. (84)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (85)

از تو در باره روح سؤال میکنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است، و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است؟ (85)

وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلِيْنَا وَكَيْلًا (86)

و اگر بخواهیم آنچه را بر تو وحی فرستادیم از تو می‌گیریم سپس کسی را نمی‌یابی که از تو دفاع کند. (86)

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (87)

مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد) که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است. (87)

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (88)

بگو اگر انسانها و پریان اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آنرا نخواهند آورد هر چند یکدیگر را در این کار کمک کنند. (88)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (89)

ما در این قرآن برای مردم از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است) اما اکثر مردم (در برابر آن) جز انکار حق، کاری ندارند. (89)

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (90)

و گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه چشمه‌ای از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی! (90)

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (91)

یا باغی از نخل و انگور در اختیار تو باشد و نهرها در لابلاي آن به جریان اندازی. (91)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا (92)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را آنچنان که می‌پنداری - بر سر ما فرود آری: یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری!! (92)

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنزَلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (93)

یا خانه‌ای پر نقش و نگار از طلا داشته باشی، یا به آسمان بالا روی، حتی به آسمان رفتنت ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای بر ما نازل کنی که آنرا بخوانیم!! بگو منزه است پروردگارم (از

این سخنان بیارزش) مگر من جز بشری هستم فرستاده خدا؟! (93)

تنها چیزی که مانع شد مردم بعد از آمدن هدایت ایمان بیاورند، این بود که (از روی نادانی و بیخبری) گفتند: آیا خداوند بشری را به عنوان رسول فرستاده است؟! (94) بگو (حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند و) با آرامش گام برمی داشتند ما از آسمان فرشته‌ای را به عنوان رسول بر آنها می فرستادیم (چرا که رهبر هر گروهی باید از جنس خود آنان باشد). (95)

بگو: همین کافی است که خدا گواه میان من و شما است، چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (96) هر کس را خدا هدایت کند هدایت یافته واقعی او است، و هر کس را او (به خاطر اعمالش) گمراه سازد هادیان و سرپرستانی جز خدا برای او نخواهی یافت، و روز قیامت آنها را بر صورت‌هایشان محشور میکنیم در حالی که نابینا و گنگ و کورند، جایگاهشان دوزخ است و هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه‌ای بر آنها می‌افزائیم. (97)

این کیفر آنهاست به خاطر اینکه به آیات ما کافر شدند، و گفتند آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده میشویم آیا بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! (98)

آیا ندیدند خدائی که آسمانها و زمین را آفرید قادر است مثل آنها را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند و برای آنها سرآمدی قطعی قرار داد اما ظالمان جز کفر و انکار را پذیرا نیستند. (99)

بگو اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید بخاطر تنگنظری امساک می‌کردید مبادا انفاق مایه تنگدستی شما شود و انسان سخنگیر است. (100)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم، از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نهنگانه) به کمک آنها آمد (چگونه بودند) و فرعون به او گفت گمان می‌کنم ای موسی تو دیوانه (یا ساحری)! (101)

گفت: تو که می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین - برای روشنی دلها - نفرستاده، و من گمان می‌کنم ای فرعون تو نابود خواهی شد! (102)

(فرعون) تصمیم گرفت همه آنها را از آن سرزمین ریشه کن

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبْعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (94)

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (95)

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (96)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (97)

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (98)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (99)

قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (100)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا (101)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَافِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (102)

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا (103)

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (104)

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا
(105)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (106)

قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى
عَلَيْهِمْ يَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ سَجْدًا (107)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (108)

وَيَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَلْبَسُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشوعًا (109)

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَلَا تُجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتُمْ بِهَا وَاتَّبِعْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (110)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا (111)

کند، ولی ما او و تمام کسانی را که با او بودند (103)
و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم در این سرزمین (مصر و
شام ساکن شوید، اما هنگامی که وعده آخرت فرا رسد همه
شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می آوریم. (104)
ما قرآن را به حق نازل کردیم، و به حق نازل شد، و تو را جز
برای بشارت و بیم دادن نفرستادیم. (105)

ما قرآنی بر تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم
می باشد، تا آن را تدریجاً و با آرامش بر مردم بخوانی (و جذب
دلها شود) و بطور قطع این قرآنرا ما نازل کردیم. (106)
بگو: چه شما ایمان بیاورید، و چه نیاورید، آنها که پیش از این
علم و دانش به آنان داده شده هنگامی که (این آیات) بر آنها
خوانده میشود به خاک میافتند و سجده می کند. (107)
و میگویند منزه است پروردگار ما که وعده هایش قطعاً انجام
شدنی است. (108)

آنها (بی اختیار) به زمین میافتند (و سجده می کنند) و اشک
می ریزند و هر زمان خشوعشان فروتر میشود. (109)
بگو «الله» را بخوانید، یا «رحمن» را، هر کدام را بخوانید (ذات
پاکش یکی است) و برای او نامهای نیک است، و نمازت را
زیاد بلند یا آهسته بخوان و در میان این دو راهی (معتدل)
انتخاب کن. (110)

و بگو ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود
انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد و نه ولی (و
حامی) به خاطر ضعف و ذلت، و او را بسیار بزرگ بشمر.
(111)

سوره 18: الکهف

به نام خداوند رحمتگر مهربان

حمد مخصوص خدائی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده
(برگزیده اش) نازل کرد و هیچگونه کژی در آن قرار ندارد. (1)
کتابی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتب دیگر است، تا
(بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند، و مؤمنان را که عمل
صالح انجام می دهند بشارت دهد که پاداش نیکوئی برای
آنهاست. (2)

(همان بهشت برین که) جاودانه در آن خواهند ماند. (3)
و (نیز) آنها را که گفتند خداوند فرزندی (برای خود) انتخاب
کرده انذار کند. (4)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (1)

فَيَمَّا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِمَّنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ
يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (2)

مَا كَيْفِينَ فِيهِ أَبَدًا (3)

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (4)

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ
إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (5)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند و نه پدرانشان، سخن
بزرگی از دهانشان خارج می‌شود، آنها مسلماً دروغ می‌گویند.
(5)

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ
أَسَفًا (6)

گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه
هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (6)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (7)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را
ببازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند! (7)

وَأِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (8)

(ولی این زرق و برقها پایدار نیست،) و ما (سرانجام) قشر روی
زمین را خاک بی‌گیاهی قرار می‌دهیم! (8)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (9)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما
بودند؟! (9)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ
لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (10)

زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و
گفتند: پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه
نجاتی برای ما فراهم ساز! (10)

فَصَرَّفْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (11)

ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب
فرو رفتند. (11)

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحَزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (12)

سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که)
کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب
کرده‌اند. (12)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ
هُدًى (13)

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می‌کنیم؛ آنها جوانانی
بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان
افزودیم. (13)

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (14)

و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و
گفتند: پروردگارا! ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر
او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگراف
گفته‌ایم. (14)

هَؤُلَاءِ قَوْمًا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْ لَّا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (15)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده‌اند؛
چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی
ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟! (15)

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ
رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (16)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می
پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان
(سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در این امر، آرامشی
برای شما فراهم می‌سازد! (16)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَرَاوَرُّ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا
غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ
اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا

خورشید را می‌دیدید که به هنگام طلوع به طرف راست (غار)
آنها متمایل می‌گردد، و به هنگام غروب بطرف چپ، و آنها در
محل وسیعی از غار قرار داشتند، این از آیات خدا است، هر

مُرْشِدًا (17)

کس را خدا هدایت کند هدایت یافته واقعی او است، و هر کس را گمراه کند ولی و راهنمایی هرگز برای او نخواهی یافت. (17)

(اگر به آنها نگاه می‌کردی) می‌پنداشتی بیدارند، در حالی که در خواب فرو رفته بودند، و ما آنها را به سمت راست و چپ می‌گردانیم (تا بدنشان سالم بماند) و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگرهبانی می‌کرد) اگر به آنها نگاه می‌کردی فرار می‌نمودی، و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می‌شد. (18)

همینگونه ما آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند، یکی از آنها گفت چه مدت خوابیدید؟ آنها گفتند یکروز یا بخشی از یکروز (و چون درست نتوانستند مدت خوابشان را بدانند) گفتند پروردگارتان از مدت خوابتان آگاهتر است، اکنون یک نفر را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید تا بنگرد کدامین نفر از آنها غذای پاکتری دارند، از آن مقداری برای روزی شما بیاورد، اما باید نهایت دقت را به خرج دهد و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد. (19)

چرا که اگر آنها از وضع شما آگاه شوند سنگسارتان می‌کنند، یا به آئین خویش شما را باز می‌گردانند، و در آن صورت هرگز روی رستگاری را نخواهید دید! (20)

و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم تا بدانند وعده (رستاخیز) خداوند حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست، در آن هنگام که میان خود در این باره نزاع می‌کردند: گروهی می‌گفتند بنائی بر آن بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آنها سخن نگوئید که) پروردگارتان از وضع آنها آگاهتر است (ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند و آنرا دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنها فراموش نشود). (21)

گروهی خواهند گفت آنها سه نفر بودند که چهارمینشان سگ آنها بود، و گروهی می‌گویند پنج نفر بودند که ششمین آنها سگشان بود - همه اینها سخنانی بدون دلیل است - و گروهی می‌گویند آنها هفت نفر بودند و هشتمینشان سگ آنها بود، بگو پروردگار من از تعداد آنها آگاهتر است جز گروه کمی تعداد آنها را نمی‌دانند، بنابراین در باره آنها جز با دلیل سخن مگوی و از هیچکس پیرامون آنها سؤال منما. (22)

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنَقَلْبُهُمْ دَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَلَّيْتُ مِنْهُمْ رُعْبًا (18)

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لَيْتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (19)

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (20)

وَكَذَلِكَ أَغْرَيْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (21)

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تَمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (22)

وَلَا تَقُولْنَ لِمَنْ يُشْفِيْكُمْ اِنَّى فَاَعِزَّ ذٰلِكَ عَدًا (23)
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِ
رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (24)

و هرگز نگو من فردا کاری انجام می‌دهم. (23)
مگر اینکه خدا بخواهد، و هر گاه فراموش کردی (جبران نما)
و پروردگارت را بخاطر بیاور، و بگو امیدوارم که پروردگارم مرا
به راهی روشنتر از این هدایت کند. (24)
آنها در غار خود سیصد سال درنگ کردند، و نه سال نیز بر آن
افزودند. (25)

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (25)

بگو خداوند از مدت توقفشان آگاهتر است، غیب آسمانها و
زمین از آن او است راستی چه بینا و چه شنوا است؟ آنها
هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند، و هیچکس در حکم او
شریک نیست. (26)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ
وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا
(26)

آنچه بتو از کتاب پروردگارت وحی شده تلاوت کن، هیچ چیز
سخنان او را دگرگون نمی‌سازد، و ملجا و پناهگاهی جز او
نمی‌یابی! (27)

وَإِذْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ
مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (27)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و
تنها ذات او را می‌طلبند، هرگز چشمهای خود را، بخاطر
زینتهای دنیا، از آنها برمگیر، و از کسانی که قلبشان را از یاد
خود غافل ساختیم اطاعت مکن، همانها که پیروی هوای نفس
کردند، و کارهایشان افراطی است. (28)

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعَمَنْ
أَعْفُنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا (28)

بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد
ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس
می‌خواهد کافر گردد، ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم
که سرا پرده‌اش آنها را از هر سو احاطه کرده است، و اگر
تقاضای آب کنند آبی برای آنها می‌آورد همچون فلز گداخته
که صورتها را بریان می‌کند، چه بد نوشیدنی است و چه بد
محل اجتماعی؟! (29)

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا
أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيضُوا يُعَاثُوا
بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (29)

مسلمانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند ما
پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد. (30)
آنها کسانی هستند که بهشت جاودان از ایشان است، باغهایی
از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است، در
آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته‌اند، و لباسهای (فاخری) به
رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می‌کنند، در حالی که
بر تختها تکیه کرده‌اند، چه پاداش خوبی و چه جمع نیکوئی؟! (31)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ
عَمَلًا (30)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُخَلَّوْنَ فِيهَا
مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (31)

برای آنها مثالی بیان کن، داستان آن دو مرد را که برای یکی
از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم، و در گرداگرد آن
درختان نخل و در میان این دو زراعت پربرکت. (32)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ
وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا (32)

كَلِمَاتِ الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا
نَهْرًا (33)

هر دو باغ میوه آورده بودند (میوه‌های فراوان) و چیزی
فروگذار نکرده بودند، و میان آن دو نهر بزرگی از زمین بیرون
فرستادیم. (33)

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ
نَفْرًا (34)

صاحب این باغ درآمد قابل ملاحظه‌ای داشت به همین جهت
به دوستش در حالی که به گفتگو برخاسته بود چنین گفت
من از نظر ثروت از تو برترم، و نفرا تم نیرومندتر است! (34)
و در حالی که به خود ستم می کرد در باغش گام نهاد و گفت
من گمان نمی کنم هرگز این باغ فانی و نابود شود. (35)

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا
(35)

و باور نمی کنم قیامت برپا گردد و اگر به سوی پروردگارم
بازگردم (و قیامتی در کار باشد) جایگاهی بهتر از اینجا خواهم
یافت! (36)

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا
مُنْقَلِبًا (36)

دوست (با ایمان)ش در حالی که با او به گفتگو پرداخته بود
گفت: آیا به خدائی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید، و
بعد از آن تو را مرد کاملی قرار داد کافر شدی؟! (37)
ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است، و هیچکس
را شریک پروردگارم قرار نمی دهم. (38)

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ
مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا (37)

تو چرا هنگامی که وارد باغت شدی نگفتی این نعمتی است
که خدا خواسته؟ قوت (و نیروئی) جز از ناحیه خدا نیست، اما
اگر می بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب
مهمی نیست). (39)

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (38)

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد، و مجازات حساب
شده‌ای از آسمان بر باغ تو فرو فرستد، آنچنانکه آنرا به زمین
بی گیاه لغزنده‌ای تبدیل کند! (40)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَمُ إِلَا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنِّ
أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (39)

و یا آب آن در اعماق زمین فرو رود، آنچنانکه هرگز قدرت
جستجوی آنرا نداشته باشی! (41)

أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (41)

(به هر حال عذاب خدا فرا رسید) و تمام میوه‌های آن نابود
شد، او مرتبا دستهای خود را - بخاطر هزینه‌هایی که در آن
صرف کرده بود - بهم می مالید، در حالی که تمام باغ بر پایه‌ها
فرو ریخته بود، و می گفت یککاش کسی را شریک پروردگارم
قرار نداده بودم! (42)

وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَىٰ غُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (42)

و گروهی، غیر از خدا، نداشت که او را یاری کنند، و
نمی توانست از خویشتن یاری گیرد. (43)

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (43)

در این هنگام ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند حق
است، او است که برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای
مطیعان) دارد. (44)

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (44)

زندگی دنیا را برای آنها به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو

واضرب لهم مثل الحياه الدنيا كماء أنزلناه من السماء فاختلط

بِهِ نَبَاتِ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (45)

می فرستیم، و به وسیله آن گیاهان زمین، سرسبز و درهم فرو می روند، اما بعد از مدتی می خشکند، به گونه ای بادهای آنها را به هر سو پراکنده می کنند، و خداوند بر هر چیز توانا است (45)

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (46)

مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند، و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امید بخش تر است. (46)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا لَهُمْ فَلَمَّ نَعَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا (47)

بخاطر بیاور روزی را که کوهها را به حرکت در می آوریم، و زمین را آشکار (و مسطح) می بینی، و همه آنها (انسانها) را محشور می کنیم و احدی را فروگذار نخواهیم کرد. (47)

وَعَرِضْنَا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (48)

آنها همه در یک صف به پروردگارت عرضه می شوند (و به آنها گفته می شود) شما همگی نزد ما آمدید آنگونه که در آغاز شما را آفریدیم اما شما گمان می کردید ما موعدی برایتان قرار نخواهیم داد. (48)

وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (49)

و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانها است) در آنجا گذارده می شود، اما گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است ترسان و متوحش اند، و می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آنرا شماره کرده است؟ و همه اعمال خود را حاضر می بینند، و پروردگارت به احدی ظلم نمی کند. (49)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (50)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس، او از جن بود، سپس از فرمان پروردگارش خارج شد، آیا (با اینحال) او و فرزندان او را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید در حالی که دشمن شما هستند؟ اینها چه جانسپینهای بدی برای ظالمانند. (50)

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُخَذِلُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (51)

من آنها را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین حاضر نساختم، و نه بهنگام آفرینش نوع خودشان، و من گمراه کنندگان را دستیار خود (51)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا (52)

بخاطر بیاورید روزی را که خدا می گوید شریکهای را که برای من می پنداشتید صدا بزنید (تا به کمک شما بشتابند) ولی هر چه آنها را می خوانند جوابشان نمی دهند، و ما در میان این دو گروه کانون هلاکتی قرار داده ایم. (52)

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (53)

و گنهکاران آتش (دوزخ) را می بینند و یقین می کنند که بر آتش افکنده میشوند و هم آتش بر آنها، و هیچگونه راه گریزی از آن نخواهند یافت! (53)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (54)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (55)

ما در این قرآن هر گونه مثلی را برای مردم بیان کرده‌ایم، ولی انسان بیش از هر چیز به جدل می‌پردازد. (54)

تنها مانع انسانها از اینکه هنگامی که هدایت به سراغشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان تقاضای آمرزش کنند این بود که سرنوشت پیشینیان دامانشان را بگیرد، و یا عذاب الهی را در برابر خود مشاهده کنند! (55)

ما پیامبران را جز برای بشارت و انداز نمی‌فرستیم، اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند تا (به گمان خود) حق را از میان بردارند، و آیات ما و مجازاتهای را که به آنها وعده داده شده است به باد مسخر گیرند. (56)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که به هنگام یادآوری آیات پروردگارشان از آن روی می‌گردانند، و آنچه را با دست خود انجام داده فراموش می‌کنند، ما بر دلهاشان پرده افکنده‌ایم تا نفهمند، و در گوشه‌هایشان سنگینی قرار داده‌ایم (تا صدای حق را نشنوند!) و لذا اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی هرگز هدایت نمی‌شوند! (57)

و پروردگار تو آمرزنده و صاحب رحمت است، اگر میخواست آنها را مجازات کند عذاب هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد، ولی برای آنها موعدی است که با فرا رسیدنش راه فراری نخواهند داشت. (58)

اینها شهرها و آبادیهائی است (که ویرانه‌هایش را با چشم می‌بینید) ما آنها را به هنگامی که ستم کرده‌اند هلاک کردیم (در عین حال) برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم. (59)

بخاطر بیاور هنگامی که موسی به دوست خود گفت: من دست از طلب بر نمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم. (60)

هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند فراموش کردند و ماهی راه خود را در پیش گرفت (و روان شد). (61)

هنگامی که از آنجا گذشتند موسی به یار همسفرش گفت غذای ما را بیاور که از این سفر، سخت خسته شده‌ایم. (62)

او گفت بخاطر داری هنگامی که ما به کنار آن صخره پناه بردیم (و استراحت کردیم من در آنجا فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم، این شیطان بود که یاد آنرا از خاطر من برد، و ماهی به طرز شگفتانگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت! (63)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أَنْذَرُوا هُزُوعًا (56)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (57)

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (58)

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (59)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (60)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (61)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي لَفَدْتُ لِقَيْنَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (62)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (63)

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (64)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا
عِلْمًا (65)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا
(66)

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (67)
وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (68)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (69)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ
ذِكْرًا (70)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ
أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (71)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (72)
قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (73)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ
نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا (74)

(موسی) گفت این همان است که ما می‌خواستیم، و آنها از همان راه بازگشتند در حالی که پیجوئی می‌کردند. (64)
(در آنجا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که او را مشمول رحمت خود ساخته و از سوی خود علم فراوانی به او تعلیم داده بودیم. (65)

موسی به او گفت آیا من از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده است و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی؟! (66)

گفت تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبائی کنی! (67)
و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از آموزش آگاه نیستی شکیبا باشی. (68)

(موسی) گفت انشاء الله مرا شکیبا خواهی یافت، و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد. (69)
(خضر) گفت پس اگر می‌خواهی به دنبال من بیایی از هیچ چیز سؤال مکن تا خودم (به موقع) آنرا برای تو بازگو کنم. (70)

آنها به راه افتادند تا اینکه سوار کشتی شدند و او کشتی را سوراخ کرد، (موسی) گفت آیا آنرا سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی، راستی چه کار بدی انجام دادی؟! (71)
گفت نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبائی کنی؟! (72)
(موسی) گفت مرا بخاطر این فراموشکاری مواخذه مکن، و بر من بخاطر این امر سخت مگیر. (73)

باز به راه خود ادامه دادند تا اینکه کودکی را دیدند و او آن کودک را کشت! (موسی) گفت: آیا انسان پاکی را بیآنکه قتلی کرده باشد کشتی؟! به راستی کار منکر و زشتی انجام دادی!
(74)